روزنه

دستگیری ۲ رابط منافقین در کرج

● **ایرنا:** دادستان عمومی و انقلاب اسلامی مرکز استان البرز اعلام کرد که دو رابط منافقین در کرج شناسایی و دستگیر شدند. حاجی رضا شاکرمی افزود: دستگیرشدگان که شامل یک زن و یک مرد هستند، دارای ارتباطاتی با منافقین بودند اخبار و عکس به‌ویژه درباره انتخابات را در اختیار منافقین قرار می‌دادند. این افراد در ازای دادن اطلاعات و عکس به منافقین از آنها مبالغی را دریافت می‌کردند.

احضار کاردار سوئیس در اعتراض به اظهارات وزیرخارجه آمریکا

● **مهر:** سخنگوی وزارت خارجه گفت: به دنبال اظهارات مداخله‌جویانه وزیر امور خارجه آمریکا، کاردار سوئیس در تهران احضار و مراتب اعتراض رسمی و شدید جمهوری اسلامی به دولت آمریکا به او ابلاغ شد. بهرام قاسمی افزود: کاردار سوئیس نیز در این دیدار ضمن تأکید بر انتقال پیام جمهوری اسلامی ایران به دولت آمریکا اظهار داشت که در اسرع وقت نتیجه را به اطلاع دولت جمهوری اسلامی ایران خواهد رساند.

درخواست دیدار شورای‌عالی سیاست‌گذاری با روحانی

● **ایلنا:** محمود میرلوحی در پاسخ به این سؤال که اصلاح‌طلبان چه رایزنی‌هایی را با آقای روحانی درباره ترکیب دولت آتی انجام داده‌اند، گفت: تا آنجایی که من اطلاع دارم تاکنون دیدار رسمی با این موضوع مشخص هنوز صورت نگرفته است، هرچند که آقای خاتمی ضیافت افطاری را میهمان آقای روحانی بودند. با این وجود شورای‌عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان امیدوار است و این درخواست را مطرح کرده که بتواند با آقای روحانی دیداری انجام دهد که در آن دیدار احتمالا این موضوع نیز مورد بحث قرار بگیرد.

بریده اخبار

- ابراهیمی عضو جامعه روحانیت مبارز: آتش به اختیاری به معنای قانون‌شکنی نیست/ ایلنا
- رسولی، عضو شورای‌عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان: عارف با روحانی دیدار داشته است/ جماران

تحلیل سعید حجاریان از انتخابات ۹۶؛

محال است راست، چپ شود

سعید حجاریان در یادداشتی به تحلیل نتایج انتخابات ۹۶ پرداخته است. بخشی از این یادداشت که در «ایلنا» منتشر شده، در ادامه می‌آید:

۱. تغییر در سبد رأی: نخستین اتفاقی که در این انتخابات تعجب کنشگران و تحلیلگران را برانگیخت، تغییر حجم سبد رأی دو جناح اصلاح‌طلب و اصولگرا بود. مطابق با آمار رسمی منتشرشده می‌دانیم که در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶، سیدمحمد خاتمی و علی‌اکبر ناطق‌نوری به‌ترتیب با ۲۰ میلیون و هفت میلیون رأی نفر اول و دوم انتخابات شدند. همچنان واقفیم که در انتخابات دوره دوازدهم آرای نفرات اول و دوم این‌گونه اعلام شد؛ حسن روحانی ۲۴ میلیون رأی و ابراهیم رئیسی ۱۵ میلیون رأی. مشاهده می‌کنیم که مطابق آمار رسمی منتشرشده از دوم خرداد ۱۳۷۶ به این‌سو آرای جناح اصولگرا بیش از هشت میلیون افزایش داشته و در مقابل به آرای اصلاح‌طلبان تنها چهار میلیون افزوده شده است و این در حالی است که در این فاصله به تعداد کسانی که حق رأی داشتند ۲۰ میلیون اضافه شده است که نوعا قشر جوان هستند و طبعا به سمت تحول‌خواهی گرایش دارند. برای این پرسش که چگونه آرای اصولگرایان تا این حد افزایش داشته و هم‌زمان آرای اصلاح‌طلبان افزایش اندک داشته چند پاسخ متصور است:

۱-۱: در نخستین پاسخ می‌توان ادعا کرد که در انتخابات تخلف صورت گرفته است. مبنای این گفته خبر سایت و کانال قرارگاه سایبری عمار است؛ قرارگاه عمار در خبری روحانی را با ۲۵ میلیون رأی نفر اول و رئیسی را با ۱۲ میلیون رأی نفر دوم دانسته بودند و در ادامه چنین نوشته بود: «بنا به گفته منابع مطلع، تعداد قابل‌توجهی (حدود پنج میلیون) برگ رأی از آرای رئیسی مهر نخورده و وزارت کشور اصرار به ابطال آنها دارد، از طرفی مسئولین ستاد رئیسی مخالف این کار هستند زیرا معتقدند این امر ناشی از کوتاهی مسئولین وزارت کشور بر سر صندوق آرا بوده و باید شماره‌سریال‌های برگه‌های مذکور بررسی و در صورت درست‌بودن، ابطال نگشته و در شمارش نهایی لحاظ گردند.» قرینه دیگر، آرای تعجب‌برانگیز شهر مشهد است. در این شهر مردم به حوزه‌های اخذ رأی رفتند و دربست به لیست اصلاح‌طلبان رأی دادند یعنی فرصت گذاشتند و به دقت نام ۱۵ نفر از کاندیداهای اصلاح‌طلب را نوشتند، اما در صندوق بغل به آقای رئیسی رأی دادند، آن‌هم با نسبت ۷۰ به ۳۰ به نفع رئیسی.

۱-۲: پاسخ دیگر به آمار و ارقام روز انتخابات مربوط نمی‌شود؛ برخی معتقدند جناح راست در هشت سال (۸۴-۹۲) که قوه مجریه را هم در دست داشت، با بستن احزاب و سمن‌ها، اصلاح‌طلبان را سازمان‌زدایی کرده و برعکس به نیروهای خود سازمان داده است.

۱-۳: سومین پاسخ جنبه اقتصادی و جامعه‌شناختی دارد؛ در ۲۰ سال گذشته، درآمد سرانه کمتر و مردم فقیرتر شده‌اند و فقر به‌وجودآمده باعث ازبین‌رفتن طبقه متوسط یا ضعف آن شده و همین امر گرایش مردم به پوپولیسم و یارانه و کارانه را به دنبال داشته است. واقعیت این است که دستاورد مهم دولت نهم و دهم فقر بود و همین موضوع باعث شد مردم به پوپولیسم روی بیاورند و بنابراین آنها در این انتخابات، رئیسی را چهره معمم احمدی‌نژاد دانسته و با رأی بالا از او استقبال کرده‌اند.

۱-۴: چهارمین پاسخ که شاید بتوان آن را شِق دوم پاسخ سوم تلقی کرد، به مقوله روستا و حاشیه‌نشینی مربوط می‌شود. در طول سال‌های پس از انقلاب،

عکس: تسنیم

اهالی روستا به این نتیجه رسیدند که برای زندگی صرفا نمی‌توان به وجود پایگاه سلامت و خط لوله گاز اکتفا کرد و به همین جهت و به دلایل اقلیمی که مهم‌ترین آن کم‌آبی باشد، برای اشتغال نخست جوانان و سپس تمام خانواده روستایی به شهر آمده‌اند. در این فرایند جابه‌جایی، به دلیل ساختارهای موجود، روستاییان در حاشیه شهرهای بزرگ ساکن شده‌اند و همین امر سبد رأی جناح راست را فربه کرده است.

۲: ضرورت عادی‌سازی: پس از روی‌کارآمدن دولت یازدهم برای چارچوب تئوریک فعالیت دولت از عادی‌سازی نوشته بودم و اعتقاد دارم در این انتخابات هر فرد یا جناحی که خلاف این مسیر حرکت کرد، بازنده بود، چراکه اساسا در وضعیت گذار به شرایط نرمال (یا زیست در شرایط نرمال) هر که بخواهد اوضاع را آشوبناک کند، بازنده است. مطابق این تحلیل باید گفت که بازنده اول، محمدباقر قالیباف بود، چراکه وی نخستین فردی بود که در مناظره‌ها ایجاد آشوب کرد و بازنده دوم حسن روحانی بود که وارد زمین بازی جناح راست شد، به‌خصوص در چند سخنرانی‌اش در سفرهای انتخاباتی از جمله استان آذربایجان‌غربی. واقعیت این است که مردم بنا بر تجربیاتشان نمی‌خواهند از شرایط نرمال خارج شوند، چراکه تحمل شوک ندارند و می‌دانند کمترین نوسانی زندگی‌شان را به‌هم می‌ریزد. پس بنابراین دولت دوازدهم می‌بایست به درس این انتخابات توجه کند و وارد فضای شعاری نشود و هر روز با یک قوه یا نهاد صاحب قدرت درگیر نشود. در گفت‌وشنودهای پس از مناظرات یا سخنرانی‌ها شنیدیم و خواندیم که مردم می‌گفتند: «روحانی از اصلاح‌طلبان هم جلو زده است»، این در حالی است که اصلاح‌طلبان چنین خواسته‌ای نداشته و ندارند و حتی خودشان هم بعضا از شعارهایشان عدول کرده‌اند.

۳: عدالت اجتماعی: رقیب نهایی روحانی، در سفرهای استانی و مناظره اقتصادی- اجتماعی چندین شعار محوری مطرح کرد که شاید مهم‌ترین آنها برپایی عدالت اجتماعی و ازبین‌بردن فاصله طبقاتی بود. این شعارها چنان‌که می‌دانیم از ابتدای آن متعلق به جناح چپ بوده است و به همین دلیل این پرسش در اذهان به وجود آمده که جناح راست را چه شده، آیا آنها همچون چپ‌ها شده‌اند؟ در پاسخ باید گفت محال است راست، چپ شود، چراکه چپ‌بودن ملزومات تئوریکی دارد که اصولگرایان از آن بی‌بهره بوده‌اند. اهالی این جناح درواقع چپ‌نما هستند و تنها تعریفشان از مفهوم عدالت، صدقه‌دادن است، چنان‌که شاهد بودیم کاندیدای اصلی این جریان در بُعد ایجابی تنها از پرداخت پول سخن گفتند.

البته باید توجه داشت که اصلاح‌طلبان نیز آن‌گونه که باید به بحث عدالت نپرداخته‌اند. جریان اصلاحات در مقاطعی عدالت را برابر تعادل دانسته و مسئولیت رسیدن به رهیافت‌های عدالت‌خواهانه را بر دوش احزاب محافظه‌کار اردوگاه خود گذاشته است. در جریان اصلاحات، برخلاف جریان مقابل، پایه علمی وجود داشته و دارد چنان‌که دیدیم در دولت‌های هفتم و هشتم وضعیت اقتصاد بهبود یافت اما پایان فعالیت دولت اصلاح‌طلبان و تأثیرگذاری موضوع «جهانی‌شدن» باعث شد که ما هم تقریبا نتوانیم مسائل تئوریکمان را به عرصه عمل بکشانیم.

۴. رأی لیستی: از انتخابات اسفند ۹۴ به این سو، شاهد سه دستاورد مهم در زمینه رأی به فهرست اصلاحات و اعتدال بوده‌ایم. درباره تداوم کارایی مثلث (اجماع بزرگان-لیست واحد-تَکرار) باید گفت مادامی‌که در کشور قطب سومی به‌وجود نیاید و اتفاق پیش‌بینی‌نشده‌ای رخ ندهد، آلترناتیوی متصور نیست و حتی بر کیفیت رأی‌آوری جریان اصلاحات نیز افزوده خواهد شد.

۵. توزیع جغرافیایی آرا: آقای روحانی به‌جز سه استان خراسان که طبعا در اختیار جناح راست است، در استان‌های زنجان، سمنان، قم، همدان و مرکزی نیز رأی کمتری آورد. بعضی از این استان‌ها واقعا توسعه‌نیافته‌اند و طبیعی است که به سمت پوپولیسم کشیده شوند اما در بعضی دیگر اصلاح‌طلبان باید سازمان رأی خود را ملامت کرده و آن را بهبود بخشند. در سایر کشورهای دنیا هم احزاب به ایالت‌ها و استان‌ها عطف توجه دارند و در آنجایی که رأی‌شان نامشخص است بیشتر سرمایه‌گذاری می‌کنند پس به همین منظور اصلاح‌طلبان باید مکانیسم انتخاباتی ایالتی را در نظر بگیرند، مرکزگرایی را کنار نهاده و به حوزه‌هایی که از پایگاه رأی‌شان احساس خطر می‌کنند، توجه بیشتر نشان دهند.

۶. رأی پایتخت: از شمال به جنوب پایتخت که حرکت می‌کنیم، نسبت آرای روحانی به رئیسی از هفت به یک آغاز، در مرکز شهر چهار به یک رسیده و در حاشیه شهر یک به یک شده است. این تغییر نشان‌دهنده فضای نابرابر شهری و آثار و عوارض حاشیه‌نشینی است. علاوه بر این هرچه به سمت جنوب حرکت می‌کنیم تعداد آرای مأخوذه کمتر شده یعنی مشارکت پایین آمده است. اصلاح‌طلبان نباید فراموش کنند که هم باید به نرخ مشارکت توجه داشته باشند و هم به حضور در صحنه‌هایی که آنها را خالی کرده‌اند چراکه سابق بر این پایگاه رأی جناح چپ در مناطق پایین‌تر بود و اکنون این موازنه به هم خورده است. واقعیت این است که نمی‌توان به مسائل سیاسی و فرهنگی توجه کرد و از معیشت و اشتغال و زندگی روزمره مردم غافل شد چراکه این‌گونه حاشیه بر متن غلبه می‌کند و با توجه به مهاجرت‌های داخلی این امر تشدید خواهد شد.

۷. اقلیت‌ها: رأی اقلیت‌ها در این انتخابات مانند همیشه به سود اصلاح‌طلبان بود. جریان اصولگرا با دامن‌زدن به شیعی‌گری مبالغه‌آمیز خود را به‌کلی از چشم اقلیت‌های مذهبی و دینی انداخته و محال است که به این زودی بتواند این ضعف خود را مرتفع کند. اما باید توجه داشت که اصلاح‌طلبان نیز تا حدی می‌توانند روی این برگ برنده حساب باز کنند چراکه مناطق سنی‌نشین ایران جزء مناطق محروم‌اند و اگر اقدامی برای آنها صورت نگیرد ممکن است روزی آنها به‌کلی از مشارکت سر باز زنند.

خبر

انتقاد «مطهری» از برنامه صداوسیما درباره مرحوم بازرگان

● نایب‌رئیس مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه «مرحوم مهندس بازرگان به تز «اسلام منهای روحانیت» معتقد نبود»، از صداوسیما خواست که از تولید و پخش برنامه‌های یک‌طرفه و اتهامات سنگین به افراد در آنها خودداری کند. در بخشی از یادداشتی که علی مطهری با عنوان سخنی با صداوسیما در اختیار «ایسنا» گذاشت، آمده است: «در تاریخ ۹۶/۳/۲۶ برنامه‌ای با عنوان «جهان‌آرا» درباره عملکرد سازمان مجاهدین خلق از شبکه افق در شبکه یک سیما بازپخش شد. در این برنامه که نکات مثبت و مفیدی داشت، جناب آقای کوشکی، کارشناس برنامه، چند بار تز «اسلام منهای روحانیت» را به مرحوم مهندس بازرگان نسبت دادند. این امر خلاف واقع است. اولا مهندس بازرگان به چنین تزی معتقد نبود. این تز را می‌توان با یک دید ابزاری از لابه‌لای آثار مرحوم دکتر شریعتی استخراج کرد و البته گروه فرقان همین کار را کرد و در جزواتش زیاد به آن استناد می‌کرد. ثانیا رابطه مهندس بازرگان با روحانیت یک رابطه دوستانه و توأم با احترام متقابل بود. رابطه بازرگان با مراجع تقلید وقت و با استاد شهید آیت‌الله مطهری و مرحوم آیت‌الله طالقانی و بسیاری دیگر از علما بر همگان روشن است. اگر بخواهیم سه نفر را نام ببریم که از دهه ۳۰ تا پیروزی انقلاب اسلامی موجب نزدیک‌شدن دانشگاهیان به روحانیت و در نتیجه ایجاد سرعت در پیروزی انقلاب شدند، باید از آیت الله مطهری، مهندس بازرگان و آیت‌الله طالقانی نام برد. نقصی که در آثار اسلامی مهندس بازرگان وجود دارد، نوعی علم‌زدگی در مواردی است که باید از فلسفه بهره گرفت...؛ اما این کجا و تز اسلام منهای روحانیت کجا؟ صداوسیما نیز نباید برنامه‌های یک‌طرفه تولید و پخش کند و در آن افرادی هدف اتهامات سنگین قرار گیرند».

جهانگیری: امنیت مردم ایران خط قرمز است

● **ایلنا:** اسحاق جهانگیری، معاون‌اول رئیس‌جمهوری در صفحه توییتر خود نوشت: امنیت مردم ایران خط قرمز است. ایران در مبارزه با تروریسم صادق و مقتدر است. توان موشکی ایران بازدارنده و در خدمت صلح و ثبات و امنیت منطقه است.